

## پس از حج

«حمد و ستایش، از آن الله است که به لطفش نیکی‌ها به انجام می‌رسد و به فضلش، طاعات پذیرفته می‌گردد؛ او را می‌ستایم و سپاسش می‌گوییم و گواهی می‌دهیم که معبود راستینی جز او وجود ندارد و شهادت می‌دهیم که محمد (صلی الله علیه وعلی آله و صحبه وسلم تسلیماً کثیراً)، بنده و فرستاده‌ی اوست.»

حج پایان یافت و روزها و ماه‌های حج با تمام خوبی‌ها و برکاتش سپری شد. آن ایام گذشت و مسلمانان در آن، حج گزار شدند؛ برخی از آنان حج فرض و برخی هم حج نفل ادا کردند. و آنان که حجشان پذیرفته گشت، به سان روزی که از مادرانشان زاده شدند، آمرزیده گردیدند؛ پس خوشا به حال برندگان و خوشا به سعادت پذیرفته‌شدگان: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ «الله، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد.»

مسلمان باید بداند که پذیرفته شدن هر عبادتی، نشانه‌هایی دارد که از آن جمله توفیق عبادت پس از هر عبادتی‌ست و از نشانه‌های رد شدن عبادت، این است که انسان پس از انجام آن در مسیر طاعت و عبادت نباشد.

پس آن‌گاه که حج گزار بازگشت و خود را در مسیر اطاعت الله و علاقه‌مند به خیر و نیکی دید و در انجام نیکی‌ها استقامت ورزید و از گناهان دوری کرد، بداند که این- به اذن الله متعال- نشانه‌ی قبول شدن حجش می‌باشد.

و چنان‌چه خویشتن را روی گردان از اطاعت الله و بی‌علاقه به خیر و نیکی دید و به گناهان روی آورد و به گناه و معصیت پرداخت، بداند که باید به اقتضای حجی که انجام داده است، در خویشتن و اعمالش بازنگری کند و رجوعی صادقانه نماید.


پس ای آن‌که حج خانه‌ی الله به جای آوردی و آن ایام خجسته را در مقدس‌ترین مکان‌ها سپری کردی! سزاوار است که این عمل بزرگت، سرآغاز پایداری‌ات در مسیر هدایت و حقیقت باشد.

ای کسانی که در حج ندای الله را لبیک گفتید و بانگ «لبیک اللهم لبیک» سر دادید! باید که همواره و در همه‌ی امور به فرمان‌های الله لبیک گویند و پیوسته در طاعتش بکوشید. به راستی که پروردگار ماه‌های حج، همان پروردگار سایر ماه‌هاست و ما وظیفه داریم که تا هنگام مرگمان تنها از او یاری بخواهیم و تنها او را عبادت کنیم: ﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ «و تا زمانی که مرگت فرا رسد، پروردگارت را عبادت و پرستش کن.»

ای برادر مسلمان! هنگامه‌های خیر و نیکی، تغییری گذرا و موقت در زندگی انسان نیست؛ بلکه دگرگونی و تحولی کامل از زندگانی غفلت و تقصیر و کوتاهی، به زندگی سرسپردگی و عبودیت کامل در برابر الله متعال است.

آن‌گونه که برخی از مردم می‌پندارند، هنگامه‌های خیر و نیکی ایستگاه‌هایی نیستند که انسان در آن‌ها از بار گناهانش بکاهد یا از معاصی رهایی یابد تا دوباره گناهی دیگر بر دوش گیرد؛ این، کوتاه‌بینی است و آنان‌که چنین پنداری دارند، در شناخت حقیقت این هنگامه‌ها به خطا رفته‌اند. آری؛ این هنگامه‌ها، ایستگاه‌هایی برای بیدار کردن هستند تا غافلان به خود آیند و اهل تقصیر پند گیرند و به سوی الله بازگردند و با ندامت و پشیمانی دست از گناه و معصیت بکشند و عزم خویش جزم کنند که دگرباره مرتکب گناه و نافرمانی نشوند: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾: «و به راستی که من، آمرزنده‌ی کسی هستم که توبه نماید و ایمان بیاورد و کار شایسته انجام دهد و آن‌گاه هدایت یابد».

برخی از مردم در زندگی خود، قربانی و فریفته‌ی نفس خویشتن و دام‌های شیطان‌ها می‌شوند تا این‌که مرگشان به یک‌باره فرا می‌رسد و آن‌ها در همین وضعیت‌اند! ای آن‌که حج بیت‌الله‌الحرام به جای آورده‌ای! به‌سان کسی مباش که ساختمانی بزرگ و استوار بنا می‌نهد و سپس آن را از پایه ویران می‌کند: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَضَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا﴾: «مانند آن زنی نباشید که نخ‌های تابیده‌اش را پس از تابیدن محکم، باز می‌کرد».

یکی از مسایل مهمی که باید مسلمان از آن آگاه باشد، این است که برخی از مردم حج می‌گزارند، اما ارکان و اعمالی را که به‌مراتب از حج مهم‌تر و بزرگ‌تر است، ترک می‌کنند؛ مردمانی هستند که حج می‌گزارند، اما نمازهای فرض را نمی‌خوانند! به‌یقین حج چنین کسانی قابل قبول نیست؛ زیرا تارک‌الصلوات و بی‌نمازند و وعید شدیدی درباره‌ی افراد بی‌نماز وارد شده است؛ همان‌گونه که الله متعال می‌فرماید: ﴿مَا سَأَلَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾  **قَالُوا لَمْ نَكُ مِنْ الْمُصَلِّينَ** : «...چه چیزی شما را به دوزخ کشاند؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم». و می‌فرماید: ﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُنَا فِي الدِّينِ﴾: «پس اگر توبه کردند و نماز را برپا داشتند و زکات دادند، برادران دینی شما هستند». و می‌فرماید: ﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ﴾: «...ولی اگر توبه کردند و نماز را به‌جای آوردند و زکات دادند، راهشان را باز بگذارید (و رهایشان کنید)».

مسلم نیشابوری رحمته الله روایت کرده است که جابر رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ وَالشِّرْكِ تَرْكُ الصَّلَاةِ»؛ یعنی: نماز، فاصله‌ی هر شخصی با کفر و شرک است و اگر نماز را ترک کند، دیگر، با کفر و شرک فاصله‌ای ندارد و مشرک و کافر شده است. ترمذی رحمته الله از بریده رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ»؛ یعنی: «فرقی که میان ما و مشرکان و کافران می‌باشد، نماز است؛ هرکس نماز را ترک کند، کفر ورزیده است». ترمذی رحمته الله با اسناد صحیح روایت کرده است که عبدالله بن شقیق رحمته الله که تابعی مشهوری است، می گوید: «اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله ترک هیچ عملی، جز ترک نماز را کفر نمی‌دانستند». برخی از مردم حج می‌گزارند، اما زکات نمی‌دهند؛ در صورتی که در قرآن کریم، زکات در کنار نماز ذکر شده است: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ «و نماز را بر پا دارید و زکات (اموالتان) را بدهید».

بخاری و مسلم از ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَمَرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ، عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى»؛ یعنی: «مأموریت یافتم که با مردم پیکار کنم تا گواهی دهند که معبود راستینی جز الله وجود ندارد و محمد، فرستاده‌ی اوست، و نماز را برپا دارند و زکات دهند؛ هرگاه چنین کردند، جان و مال خود را از هرگونه تعرضی از سوی من، مصون داشته‌اند؛ مگر در حقی که اسلام تعیین کرده است، و حسابشان با الله متعال است».

ابوبکر صدیق رضی الله عنه با کسانی که از ادای زکات امتناع ورزیدند، پیکار نمود و آن سخن مشهورش را فرمود: «به الله سوگند، با کسی که میان نماز و زکات فرق بگذارد، می‌جنگم؛ چراکه زکات، حق مال است. به خدا قسم اگر زانویند شتر- یا بزغاله‌ای- را که (به عنوان زکات) به رسول الله صلی الله علیه و آله می‌دادند، از من بازدارند، با آن‌ها می‌جنگم».

برخی از مردم حج می‌گزارند، اما ماه رمضان را روزه نمی‌گیرند! در صورتی که روزه از حج مهم‌تر می‌باشد و پیش از حج، فرض شده است. آن‌ها که حج می‌گزارند و سایر ارکان اسلام را ترک می‌کنند، به‌مانند کسی هستند که عضوی از پیکر یک شخص سربریده را درمان می‌کند!

بر مسلمان واجب است که با دقت و اشتیاق فراوان در جهت حفظ دینش و پاس‌داری از کمال و سلامت آن در برابر زوال و هرگونه خللی بکوشد و واجبات دینی‌اش را ادا کند و از محرمات پرهیزد و بر دین الله استقامت ورزد تا آن‌که مرگش فرارسد؛ الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ

الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٢٠٠﴾: «همانا کسانی که گفتند: پروردگارمان، الله است و سپس (بر توحید) استقامت

ورزیدند، فرشتگان، (هنگام مرگ) بر آنان نازل می‌شوند (و می‌گویند): نترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی مزده باد که وعده داده می‌شدید».

یکی از کارهای مهم و مورد تأکید پس از انجام مناسک حج، این است که مسلمان در خود بازنگری کند و خویشتن را در رابطه با گذشته‌اش محاسبه نماید و برای خود برنامه‌ای بریزد که با استعانت از الله متعال، ساختمانِ اعمالی را که در حج پایه‌ریزی نموده است، به‌تمام برساند. همه‌ی این‌ها برای این است که مسلمان پس از ادای فریضه‌ی حج و آن‌گاه که الله متعال به او توفیق حج داد، بر مهم‌ترین اعمال پای‌بندی کند.

از الله متعال درخواست می‌کنم که حج همگان را بپذیرد و حجشان را حجتی شایسته و مقبول، و سعیشان را پذیرفته و قابل قبول بگرداند و گناهانشان را بیامرزد؛ و از او عاجزانه می‌خواهم که گفتار و کردارمان را خالصانه و مطابق روش آقایمان، سرور مردمان صلی الله علیه و آله قرار دهد و این عمل را ذخیره‌ی زندگی و پس از مرگ این بنده بگرداند؛ به راستی که او بر هر کاری تواناست. و درود الله بر پیامبرمان، محمد و بر همه‌ی خاندان و یارانش.